

كتاب سیاه

معامله گری فارکس

یک روش اثبات شده
برای تبدیل شدن به یک معامله گر
موفق و سودآور در طی چهار ماه و
رسیدن به آزادی مالی با انجام این روش

پائول لنگر



کتاب سیاهِ معامله گری فارکس

یک روش اثبات شده برای تبدیل شدن به یک معامله گر موقق و سودآور در طی چهار ماه و رسیدن به آزادی مالی با انجام
این روش

تهیه و تألیف: پائول لنگر

ترجمه: نسیم کافی

آخرین بروزرسانی: ۴ مهر ۱۳۹۸



فارکس یار

کتاب، فیلم، مقاله و محصولات بازار فارکس

لَيْلَةُ الْجَمْرَةِ

بنام گشاپنده کارها / زنامش شود سهل دشوارها

كتاب سياهِ معامله گري فارکس

نويسنده: پائول لنگر
مترجم: نسيم كافي
ناشر: فارکس يار
صفحه آرائي و طرح جلد: فارکس
يار
سال انتشار: ۱۳۹۸
سال توليد: ۲۰۱۵
فروشنده: اورانوس
قيمت: ۱۷۰۰۰ تومان

حق کپی محصولات فارکس یار

فارکس یار یک موسسه خصوصی است که هدف آن "نشر دانش بازارهای مالی به زبان فارسی" می باشد. تمامی هزینه های تهیه و ترجمه محتوا از محل فروش محتوای منتشر شده در وب سایت فارکس یار تامین می گردد.

لذا محصولات فارکس یار تنها برای فردی است که "فقط" بهای آن را از طریق وب سایت فارکس یار به آدرس forexyar.com پرداخت کرده باشد. در غیر اینصورت هرگونه استفاده از آن شرعا حرام و قانونا مجاز نمی باشد.

فهرست مطالب

۷.....	سلب مسئولیت
۸.....	مقدمه
چگونه ۵۰۰۰ دلار را که به سختی به دست آورده‌اید، از دست می‌دهید (فقط برای اینکه آن را چند دفعه‌ی دیگر به دست آورید) ۱۴	
یک جلسه‌ی عجیب، یک مرد عجیب، و مقداری شراب ۱۷	
لحظه‌ی ناآشنای کشف شهودی ۲۱	
ساختار ذهنی درست (یا، چرا معامله گران پول در نمی‌آورند) ۲۲	
انجام معاملات دمو (یا آزمایشی) آری یا نه ۲۷	
چرا معامله در بازارهای فارکس؟ ۲۹	
برای شروع معامله، چه چیزهایی باید بدانید؟ ۳۱	
روندها و دامنه‌ها ۳۲	
حمایت و مقاومت ۳۳	
بیائید درباره‌ی استراتژیها صحبت کنیم ۳۶	
استراتژی معاملاتی بر مبنای پوزیشن "خرس‌ها و گاوهای بزرگ" ۳۷	
استراتژی معاملاتی سویینگ (یا نوسان گیری) ۴۵	
استراتژی اسکالپینگ ۵۱	
"جام مقدس" غیرقابل پیش‌بینی معامله گری، یا چگونه اندازه‌ی پوزیشن خود را محاسبه کنید ۵۷	
قوهای سیاه ۶۱	
اهمیت داشتن یک برنامه‌ی معاملاتی ۶۳	
برنامه‌ی شش مرحله‌ای شما برای تبدیل شدن به یک معامله گر سودآور و موفق ۶۸	
نظرهای نهائی ۷۰	

سلب مسئولیت

این کتاب طراحی شده است تا اطلاعات صحیح و قابل اطمینانی را در مورد موضوع مطرح شده فراهم آورد. این کتاب با این تصور فروخته شده است که نویسنده مشغول ارائه خدمات حقوقی، حسابداری، سرمایه‌گذاری، یا خدمات حرفه‌ای دیگر نمی‌باشد. اگر به مشاوره حقوقی و یا همکاری حرفه‌ای دیگری نیاز باشد، باید به دنبال یک فرد حرفه‌ای مناسب باشید.

نویسنده مسئولیت هیچ گونه اسیب و خسارت یا زیان مالی و شخصی به افراد یا اموال را که ناشی از استفاده از اطلاعات این کتاب، به صورت شخصی یا نوع دیگر، به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم باشد را متعهد نمی‌شود.

در حالیکه تلاش بسیاری برای اطمینان یافتن از صحت اطلاعات صورت گرفته است، هر گونه مسئولیت، سهل‌انگاری، به هر وسیله‌ای، سو استفاده یا استفاده از نادرست از عملکرد روشها، استراتژیها، دستورالعمل‌ها، یا ایده‌های موجود در مطالب این کتاب، بر عهده‌ی خود خواننده می‌باشد.

هر گونه حق چاپی که بر عهده‌ی ناشر نباشد، متعلق به نویسنندگان مربوطه می‌باشد.

همه‌ی اطلاعات تعمیم داده شده‌اند، و تنها به منظور اهداف اطلاعاتی ارائه شده‌اند و بدون ضمانت یا هر گونه گارانتی می‌باشند. هیچکدام از ناشران یا نویسنندگان در قبال هر گونه عدم دقت، خطای حذف، صرف نظر از علت، در کار یا هرگونه خسارت ناشی از آن، در برابر شما یا هر کس دیگری مسئول نیستند. ناشر هیچ مسئولیتی در قبال محتواهای هرگونه اطلاعاتی که از طریق کار به دست می‌آید، ندارد. تحت هیچ شرایطی ناشر در قبال خسارات غیرمستقیم، اتفاقی، خاص، مجازاتی، خسارت‌های تبعی و یا مشابه آن، که ناشی از استفاده یا عدم توانایی در استفاده از این اثر است، حتی اگر هرکدام از آنها درباره‌ی احتمال بروز چنین خسارت‌هایی هشدار داده باشند، مسئولیتی نخواهد داشت. این مسئولیت محدود باید برای هر ادعا یا علتی به کار برده شود، چه آن ادعا یا علت در قرارداد یا غیره ذکر شده باشد یا نه.

کلیه علائم تجاری و مارک‌های ذکر شده در این کتاب فقط برای اهداف توضیحی می‌باشند، و متعلق به صاحبان مربوطه می‌باشد و به هیچ وجه وابسته به این انتشارات نیستند.



مقدمه

من همیشه ایده‌ی مستقل بودن را دوست داشته‌ام. از وقتی که ۱۰ ساله بودم، همیشه به دنبال راه‌هایی برای پس انداز مقداری از پول تو جیبی کمی بودم که والدینم به من می‌دادند، یا کارهای کوچکی انجام می‌دادم، مثل فروختن آب نبات به همکلاسی‌ها، در نتیجه می‌توانستم چند پنی برای خودم به دست اورم. من می‌دانستم که اگر پول کمی پس انداز داشته باشم، می‌توانستم آن کتاب مصور یا آن بازی ویدئویی که دوست داشتم، یا چند سیم جدید برای گیتارم بخرم، و پدر و مادرم نمی‌توانستند به من بگویند "نه". آنها معمولاً به من "نه" نمی‌گفتند، اما اگر من خودم پول داشتم، حق انتخاب با خودم بود، همین برای من انگیزه‌ی کافی ایجاد می‌کرد تا در همه‌جا به دنبال روش‌هایی برای پول درآوردن باشم.

بعد از این همه سال، من هنوز زیاد تغییر نکرده‌ام، حالا من ۳۷ ساله هستم. من هیچ وقت شغل‌هایی که داشتم را حفظ نکردم و تقریباً از وقتی که ۲۰ ساله بودم بیزینس و کار آزاد را آغاز کردم. اما، علیرغم احساسات شخصی من درباره‌ی پول، من معتقدم، در زمانی که ما زندگی می‌کنیم، هدف نهایی داشتن آزادی مالی می‌باشد، که ممکن است حتی چیزی بیشتر از انواع دیگر ازادی باشد. من معتقدم ما، به عنوان یک نسل، تا به حال فهمیده ایم که دنیا آنقدر بزرگ است که ما نمی‌توانیم بخواهیم خودمان را فقط درگیر یک شغل، یک حرفه، یا حتی یک کشور کنیم، چه برسد به یک شهر. اگر ما عرضه‌ی پول خود را کنترل کنیم، ما آزاد هستیم، صاحب زمان خودمان می‌باشیم، و می‌توانیم تصمیم بگیریم که با آن، چه کاری انجام دهیم.

بیشتر دوستان من، و افرادی که از سرتاسر دنیا می‌شناسم، آرزو دارند که بتوانند مدتی را در آسیا، آمریکای جنوبی، آفریقا، مکزیک، ایالات متحده، استرالیا، یا هر جای دیگری زندگی کنند که از محل اقامت فعلی آنها فاصله دارد.

مهم نیست که شما ازدواج کرده باشید و بچه داشته باشید، در این مورد، شما می‌خواهید خانواده‌تان را با خودتان ببرید، بنابراین بچه‌ها می‌توانند فرهنگ و زبان دیگری یاد بگیرند، یا اگر شما مجرد باشید، دوست دارید بروید و ماجراجویی کنید، بنابراین می‌توانید احساس کنید که با تمام وجود در حال زندگی کردن هستید.

کارآفرینی در حال رشد است و بسیاری از افراد سعی می‌کنند تا شанс خود را برای فروش چیزی، شروع یک بیزینس در کنار کار اصلی، انجام کار آزاد یا حداقل آرزوی انجام آن، امتحان کنند و خودشان را برای یافتن زمان درستی برای شروع این کارها، آماده می‌کنند.

برای نسل پدر و مادرها، و پدربرزگها و مادربرزگهای ما، رویاهای مسافرت به دور دست‌ها و رفتن به دنبال ماجراجویی در دنیا، یا شروع یک کار آزاد برای خودشان، که از ایده‌ی ثبات مالی‌ای که یک شغل واقعی به



شما خواهد داد ، ناشی می شود، کم و بیش یک توهمند و رویا بود. بیشتر افراد خودشان را فقط درگیر ایده‌ی داشتن یک شغل، یک خانواده ، و یک خانه، و داشتن زندگی بهتر در هر سال، و پس انداز مقداری پول برای بازنیستگی کرده بودند.

شاید به خاطر بحران مسکن ، عصر اینترنت، شبکه‌های اجتماعی ، نرخ بالاتر بیکاری در سرتاسر دنیا، یا هر چیزی که با هم روی می دهند، ما فهمیدیم که ارزش‌های قدیمی زندگی "کامل" دیگر معتبر نیستند. این موارد درهایی را به روی ما گشوده اند و چشمان ما را باز کرده اند تا به شکل متفاوتی به دنبال اینده‌ی خود بنگریم.

ما جوانان ۲۲ ساله‌ای را دیده ایم که شرکتهایشان را به قیمت میلیاردها دلار می فروشند (بعضی از آنها بدون اینکه سودی داشته باشند)، و همه‌ی ما داستانهایی درباره‌ی کارآفرینی اینترنتی، معامله گران، بازارگردانها، و افرادی شنیده ایم که "زندگی عالی ای" دارند، اما از همین جایی که الان من و شما ایستاده ایم ، شروع کرده اند .

خبر خوب این است که نیازی نیست شما مارک زاکربرگ بعدی باشید تا بتوانید به طور مستقل زندگی کنید. شما نیازی به مدرک از دانشکده‌ی آیوی لیگ ندارید، تا وارد این گروه از افراد "نخبه" شوید، چون در اینجا گزینشگری وجود ندارد. و بله، من می دانم، چون خودم این کار را انجام داده ام، معامله گری و بازار فارکس، راهی برای به دست آوردن این آزادی مالی می باشد که بسیار مورد توجه است.

توصیه‌ی مهم:

قبل از اینکه شما مطالب دیگر را بخوانید و احتمالا وقت ارزشمندان را هدر دهید، لازم است نکاتی را به شما بگویم. این یک کتاب پیشرفته یا جامع نیست که استراتژیهای پیچیده‌ی زیادی را پوشش داده باشد. این کتاب بر محاسبات ریاضی پیچیده، شاخص‌های پیچیده، و آنالیز آکادمیک بازارها و یا چیزهای دیگر، تکیه نمی کند. اگر شما یک معامله گر پیشرفته و حرفه‌ای هستید و به دنبال نکات پیچیده‌ی مربوط به های تک برای پیدا کردن راه ورودی خود می باشید، آنها را اینجا پیدا نخواهید کرد.

من در ابتدای کار معامله گری خود، سعی می کردم با سیستم‌هایی که به سختی قابل درک و بسیار پیچیده بودند، معامله کنم، و آنها برای من جواب نمی دادند. من نمی گویم که آن سیستم‌ها برای شما و یا یک نفر دیگر هم جواب نمی دهند، هر کسی فرق دارد و نیازهای مختلفی دارد، اما من فهمیدم که برای اینکه در معامله گری خود موفق باشم، سادگی، یک ابزار قدرتمند و ارزشمند می تواند باشد.

چرا من اینها را به شما می گویم؟ من متوجه شدم که بعضی افراد ناراحت شده اند و حتی عصبانی شده اند که این کتاب تکنیک‌های معامله گری گسترده و پیچیده و بسیار پیشرفته‌ای را ارائه نکرده است، اگر شما



چگونه ۵۰۰۰ دلار را که به سختی به دست آورده‌اید، از دست می‌دهید (فقط برای اینکه آن را چند دفعه‌ی دیگر به دست آورید)

بیش از ۷ سال است که من معامله گری می‌کنم. در آن سالها، من در زمینه‌های زیر فعالیت کرده‌ام: سهام، قراردادهای **فیوچرز**^۱، فارکس، E-Minis، قراردادهای اختیار معامله، **iron condors**^۲، اسپرد، و باینری آپشن^۳; هر چیزی را که شما نام ببرید، من امتحان کرده‌ام. و می‌توانم به شما بگویم که پول زیادی را برای انجام این کارها از دست داده‌ام. من بارها نتیجه‌ی به دست آمده از اطلاعات مالی محصولات بازاریان را بررسی کرده‌ام و می‌توانم به شما بگویم ۹۹,۹٪ از آنچه که آنها می‌فروشند، آشغال محسن است.

من جایی، در بین کتابهای بسیاری که در مورد معامله گری مطالعه کرده‌ام، خوانده‌ام که شما باید هزینه‌های این کار را پرداخت کنید، همانطور که من بهای سنگین آن را پرداخت کردم.

من در اولین سال معامله گری خود، نزدیک به ۵۰۰۰۰ دلار از دست دادم. بله ۵۰۰۰۰ دلار پس اندازی که داشتم را از دست دادم. و باید به شما بگویم که من آدم پولدار یا چیزی از آن قبیل نبودم، بنابراین از دست دادن آن پول خیلی به من خسارت زد. آن پول، تنها پس انداز زندگی من بود.

من به همه‌ی مطالب مربوط به معامله گری پرداختم. هر دفعه یک سیستم جدید، یک کتاب جدید، یک شاخص جدید، یک استراتژی جدید، یک دوره‌ی آموزشی جدید، یک خبرنامه‌ی جدید، MT4، نینجا تریدر، سیگنالها، روبات‌ها، معاملات اجتماعی و هر چه که بگویید را پیدا می‌کردم؛ آن را می‌خریدم، امتحانش می‌کردم، بله، درست حدس زدید: در آن موفق نمی‌شدم و شکست می‌خوردم. من حتی ۴۰۰۰ دلار برای یکی

^۱: اشاره به سهام آتی (فیوچرز) یک سهم بورسی دارد، و قراردادی می‌باشد که موضوع آن دارایی مالی و یا کالا می‌باشد و تحت شرایط این قرارداد تحويل کالا و یا دارایی در تاریخ مشخص در آینده انجام خواهد شد. در قراردادهای آتی الزامات و شرایط دقیقی از جمله نوع و میزان کالا موجود می‌باشند. میزان مجاز انحراف در این قراردادها بسیار کم می‌باشد. در این قراردادها همچنین شرایط خاصی برای پرداخت‌ها و پرداخت هزینه‌های حمل و نقل وجود دارند.

^۲: یک قرارداد معاملات آتی (فیوچرز) الکترونیکی است که نشان دهنده یک مقدار از ارزش یک قرارداد آتی استاندارد مربوطه است

^۳: یک استراتژی معحبوب options (آپشن‌ها، گزینه‌ها) در بین معامله گران است که توسط مدیران سرمایه‌گذاری حرفه‌ای و سرمایه‌گذاران فردی استفاده می‌شود.

^۴: یک بازار جدید مالی و یک روش عالی برای کسب درآمد در اینترنت است. باینری آپشن یک روش ساده و قابل فهم برای تجارت آنلاین است. دلیل سادگی آن مشخص بودن مقدار سود و ضرر قبل از انجام معامله است. برای آشنایی با این بازار و همچنین استراتژی معاملاتی آن کتابهای "معاملات باینری آپشن برای مبتدیان" و "۶۰ ثانیه برای معامله" را از فارکس یار تهیه و مطالعه کنید.



از مریبیان معامله گری بسیار گران قیمت، هزینه کردم. و بله، من در آن مورد هم شکست خوردم، و مقدار دیگری پول به اضافه‌ی هزینه‌ی مربی را از دست دادم.

تعداد حسابهایی که از دست دادم، فارکس، کالاهای سهام، یا کارگزاران مربوط به قراردادهای اختیار معامله، که من آنها را امتحان کردم، از دستم در رفته است؛ فقط این موضوع را فهمیدم که تقصیر از کارگزار یا بازار یا اخبار یا بازار گردانان یا اندیکاتورهایی که من استفاده می‌کردم نبود، بلکه مشکل از خود من بود.

من نمی‌توانستم بپذیرم که ایا تقصیر من بود، آیا من احمق بودم، یا اینکه ایا دنیا در برابر من قرار گرفته بود تا نتوانم پول در آورم؟ من زمان و منابع مالی زیادی را برای این ماجراجویی دیوانه وار صرف کرده بودم، و نتیجه‌ی آن به طرز وحشتناکی بد بود. من خیلی خوشحالم که آن موقع ازدواج نکرده بودم، یا خانواده‌ای نداشتم. فشار زیادی به من می‌امد.

من می‌دانم، ممکن است این غم انگیزترین داستانی باشد که شما تا به حال خوانده باشید، اما این را هم می‌دانم که این داستان، داستان افراد زیادی در اطراف شماست که با ایده‌ی کار کردن در خانه، برای خودشان، و کسب درآمد زیاد در ماه، اغوا شده‌اند. خوب، می‌دانید، از نظر تئوری این امر ممکن می‌باشد. بازار آنجاست، پول زیادی همیشه در آنجا جایه‌جا می‌شود، و امکان یک جریان بی‌پایان وجود دارد.

اگر شما همیشه می‌توانستید برنده شوید و حساب خود را دیوانه وار، اهرم خود قرار دهید، احتمالاً می‌توانستید در عرض چند ماه بسیار ثروتمند شوید.

میلیاردها پول از یک جا به جای دیگر جایه‌جا می‌شوند، اهرم‌های بزرگی وجود دارد، بازار گسترده‌ای با تمام نوساناتی که یک فرد می‌تواند تصور کند وجود دارد، و حتی افرادی خارج از آن وجود دارند که یک زندگی عالی را در خارج از آن برای خود می‌سازند.

بنابراین، من فکر کردم، اگر بعضی‌ها این کارها را می‌کنند، یا حداقل ادعا می‌کنند که این کارها را می‌کنند، پس چرا من نتوانم؟ یا، چرا شما نتوانید؟

سالها طول کشید تا من به جواب این سوال رسیدم. و اساساً، درست ترین جوابی که من برای آن دارم این است:

ما از افراد اشتباه، سوالهای اشتباه می‌پرسیم.

برای مثال، همه‌ی "تامین کننده‌های سیگنال" را در نظر بگیرید، چطور ممکن است آنها ادعا می‌کنند که چنین نتایج شگفت‌انگیزی به دست آورده‌اند، اما وقتی که شما سعی می‌کنید تا به نحوی خودتان از سیگنالها استفاده کنید، تقریباً دست یافتن به نتایج مشابه به آنها، غیرممکن است. نمی‌دانم که ایا تقصیر من بود یا نه، اما من همیشه یا خیلی دیر وارد بازار می‌شدم یا خیلی زود، یا وقتی که درنهایت در لحظه‌ی



لحظه‌ی نا آشنای کشف شهودی^۸

در همه‌ی مطالبی که من قبل از آموزش رابرخوانده بودم، مزخرفاتی راجح به این لحظه‌ی "آها" خوانده بودم، که نوعی لحظه‌ی کشف شهودی و الهام است که در ان لحظه شما فوراً هر چیزی که برای معامله تان بد است و زندگیتان را تغییر می‌دهد را متوجه خواهید شد.

خوب، بعضی وقتها، من از خودم می‌پرسیدم "آیا من احمقم؟" یا چرا من به هیچ لحظه‌ی جادویی آهایی نرسیده‌ام؟ با این وجود، من سخت مطالعه می‌کرم، و حتی پول زیادی را از دست می‌دادم تا معامله‌ی سودآور و موفق را امتحان کنم.

من می‌توانم به شما بگویم که به این لحظه، که مطالب زیادی در مورد ان خوانده‌ام، نرسیده‌ام. بیشتر شبیه مجموعه‌ای از لحظه‌های کوتاه "آها" بود. معامله‌گری یک کار پیچیده و چند متغیری می‌باشد. به این دلیل است که بدون آموزش و راهنمایی کامل و مناسب، دشوار می‌باشد.

زمانی، من شروع کردم سیستم خودم را بدون کم و کاست و بدون هیچ گونه ترس یا تردید دنبال کردم.

هر ماه، اعداد و ارقام به نفع من پیش رفتند. من هیچ کار خاصی انجام ندادم، یا حداقل اینگونه فکر می‌کنم، اما معامله‌گری به نوعی به یک عادت همیشگی برای من تبدیل شد.

من تا کنون چیز کمی در مورد بازارها می‌دانستم، و جفت ارزهای فارکس در پیش چشمان من شروع به آشکار شدن کردند، و من در پیش بینی حرکت‌های قیمت، خیلی پیشرفت کردم.

آن زمان من اینگونه فکر می‌کردم؛ اما من در واقع پیش بینی نمی‌کردم، من فقط یک سیستم را با توجه به حد و آستانه‌ی آن اجرا می‌کردم، و در بلند مدت، نتایج مثبتی به دست می‌آوردم. من می‌دانم که پیچیده به نظر می‌رسد، اما در زندگی واقعی، در حقیقت، آسانترین قسمت می‌باشد.

با این وجود، اشاره به این موضوع مهم است که، حتی اکنون، هر وقت که من در یک معامله زیان می‌کنم، حتی بعد از سالها و انجام صدها معامله‌ی سودآور، این حس عجیب را دارم که "شاید سیستم من دیگر کار نمی‌کند"، "شاید من باید دنبال یک سیستم جدید باشم". آموزش‌های زیادی در اینجا وجود دارند: حداقل برای من چنین است، من باید در مسیر معامله‌گری خود تربیت می‌شدم و همیشه قوانین خودم را دنبال می‌کردم. هیچ معجزه و جادویی وجود ندارد، چیزی که وجود دارد، یک روش خوب است.

AHA moment^۸ : لحظه‌ی آها: به لحظه‌ای گفته می‌شود که در آن یک بینش یا کشف ناگهانی رخ می‌دهد و یا راه حل یک مشکل پیدا می‌شود.



ساختار ذهنی درست (یا، چرا معامله گران پول در نمی آورند)

وقتی که من اولین دفعه، حساب واقعی خود را با ۶۰۰۰۰ دلار باز کردم (فقط برای اینکه ۵۱۰۰۰ دلار آن را چند ماه بعد از دست بدhem)، خیلی به آن پول افتخار می کردم.

برای من، استفاده از تمام آن پول برای معامله یک پیشرفت و موفقیت بزرگ بود. صرفنظر از آن ، من ۷۰۰۰ دلار دیگر هم در حساب پس اندازم داشتم. بنابراین آن ۶۰۰۰۰ دلار اساسا، تمام پس انداز زندگی من بود.

من آن پول را با تلاش زیاد، و کار کردن در شغل خود و انجام کارهای روزانه، در سالهای زیادی جمع آوری کرده بودم. بنابراین، من خیلی به آن پول تعلق خاطر داشتم و به آن وابسته بودم.... چه عدد رند خوبی.

در آن زمان، من چند حساب واقعی با ۵۰۰ دلار و حتی یک حساب با ۲۰۰۰ دلار باز کردم. رنج آور و دردناک بود، اما موضوع مهمی نبود، چون فقط پول بود که "بازی می کرد" چون من تصمیم نداشتیم همه‌ی پولم را برای معامله استفاده کنم.

ته‌یکی از این حسابها، چند صد دلار باقی ماند، و من یک "استراتژی جدید" را امتحان کردم. و در طی چند هفته، فهمیدم استفاده از این سیستم "خیلی خوب بود" و خیلی به من کمک کرد، که ۲۰۰ دلار من را فقط در دو هفته دوباره کرد و به ۴۰۰ دلار رساند.

برای من، این موفقیت کوچک در این دو هفته برای اثبات این موضوع کافی بود که من آماده‌ی معامله "به صورت واقعی" بودم. بنابراین، من ۶۰ هزار دلار سپرده گذاری کردم و آماده شدم تا شانسم را در بازار امتحان کنم.

من خودم را در آینده‌ی نزدیک می دیدم که خانه و ماشین‌های جدید خریده‌ام، به دور دنیا سفر می کنم ... چه چیزی می توانست غلط باشد؟ "سیستم" من خطا ناپذیر بود.

با آن حساب کوچک، من از اهرم 1:100 در آن زمان استفاده کردم، بنابراین تصمیم گرفتم که کار را راحت کنم و ۶۰۰۰۰ دلار را با اهرم 1:2 (۱۲۰۰۰) معامله کنم.

من خیلی کم ریسک می کردم و شاید هر شش ماه، حسابم را دو برابر می کردم، یا در ذهنم چنین فکری می کردم. پسر، من اشتباه می کردم.



اجباری معامله شده اید. به این دلیل است که افراد بسیاری، کارگزاران را به خاطر "شکار حد ضرر"^۹ سرزنش می کنند.

انجام معاملات دمو (یا آزمایشی) آری یا نه

در زمانی که من تحت آموزش بودم، ما فقط معاملات دمو انجام می دادیم. اگر شما یک حساب دمو ندارید، الان بروید و باز کنید، من همینجا منتظرتان خواهم بود، فقط مقدار پولی را که تصمیم دارید با آن حساب معاملات واقعی انجام دهید را تعیین کنید ... خوب، آیا الان حساب را بازکردید؟ مطمئن هستید؟ هنوز نه؟ مشکلی نیست، من کمی بیشتر صبر می کنم تا شما یک حساب باز کنید ... آماده اید؟ خیلی خوب، عالی است!

معامله‌ی دمو خیلی مهم است چون شما زمان زیاد و پول مجازی بسیاری دارید که از دست بدھید تا یاد بگیرید چگونه از یک سیستم استفاده کنید. یکی از بزرگترین معایب معاملات دمو این است که شما یاد نمی گیرید احساسات خود را در رابطه با آن پول کنترل کنید، چون همه‌ی ما می دانیم که آنها دلارها، یوروها یا پوندهای الکی و ساختگی هستند. اما، مهم است که از آنجا کارمان را شروع کنیم. همچنین، کارگزاران عملکردهای عالی ای را ارائه می دهند و مهم نیست که چه باشد، چون نقدینگی در این دنیای پولی مجازی، نامحدود است. اما، نگذارید این مسائل شما را از شروع کار با حساب دمو، دلسرب سازند، انجام معاملات دمو برای موفق شدن شما به عنوان یک معامله گر، مهم می باشند.

بعد از اینکه شما به طور موفق ۴ تا ۶ ماه با این حساب کار کردید، آماده هستید که پول واقعی را در جریان کار بیاورید، شما به سیستمان و خودتان به اندازه‌ی کافی اطمینان دارید تا تحمل چند معامله‌ی زیان آور را داشته باشید، یا اگر ناگهان یک دوره پیروزی را تجربه کردید، دیوانه نشوید.

ببینید، من می دانم که همه‌ی ما به دنبال نتایج فوری هستیم، و می خواهیم به یک ماه نرسیده، پولدار شویم. اما بازارهای فارکس، بخت آزمایی نیستند، بنابراین اگر واقعاً در مورد معاملات خود جدی هستید، نباید این قوانین را نادیده بگیرید.

من خیلی می ترسیدم که پول بیشتری از دست دهم و بعد از ۶ ماه آموزش و معامله‌ی دمو به طور موفقیت آمیز تصمیم گرفتم که از حساب واقعی ام که ۹۰۰۰ دلار داشت استفاده نکنم و با یکی از حسابهای قدیمی ام که ۱۰۰ دلار داشت شروع کنم و من می توانستم به راحتی با آن معامله کنم چون حاشیه‌ی کمی داشت.

stops hunting^۹



نکته‌ی مثبتی که دراین مورد وجود داشت این بود که من واقعاً نگران آن پول و سیستم نبودم، چون از دست دادن ۱۰۰ دلار، نمی‌توانست آسیب زیادی به من بزند. بنابراین، ذهن من بر روی اجرای استراتژی متمرکز شد تا ببینم چگونه با پول واقعی کار می‌کند، حتی اگر مبلغ معامله آنقدر کم باشد.

تنها بعد از چند هفته، حساب من ۲۰۰ دلار شد، بنابراین من تصمیم گرفتم که ۲۰۰ دلار دیگر از حساب بزرگم، را سپرده گذاری کنم، در نتیجه من ۴۰۰ دلار برای معامله داشتم. بنابراین، وقتی که ۸۰۰ دلار داشتم، ۸۰۰ دلار دیگر از حساب بزرگم را دوباره انتقال دادم. و بنابراین اینقدر این کار را انجام دادم تا حساب قدیمی ام را خالی کردم. این یک فرایند بازسازی بود. این کار زیاد طول نکشید، فقط چند ماه. اما این کار کاملاً حواس من را از موضوع نگرانی درباره‌ی پول، که قبلاً با آن مواجه بودم، پرت کرد. چون من همیشه یک پیشتوانه‌ی ۵۰ درصدی داشتم که می‌توانستم آن را از دست بدهم و تا پایان یافتن سپرده‌ام، می‌توانستم در همان جایگاهی که قبلاً بودم، باشم. و همچنین، چون من مدتی نگران به دست آوردن و از دست دادن چند دلار بودم، بنابراین، این موضوع اصلاً نگران کننده نبود.

اگر شما هم مانند من از گذشته‌ی معاملاتی وحشتاک خود رنج می‌برید، می‌توانید استراتژی من را امتحان کنید، تنها با چند صد دلار شروع کنید و وقتی که به آستانه‌ی خاصی رسیدید، بیشتر سپرده گذاری کنید، و تنها در صورتی این کار را انجام دهید که مدتی به صورت دمو معامله کرده‌اید و درمورد سیستم خود مطمئن هستید.



چرا معامله در بازارهای فارکس؟

بازار فارکس، یک بازار بزرگ، با نقدینگی بالا و غیر متمرکز می باشد. این به چه معناست؟ یعنی اینکه هیچ مبادله ای (مانند بازار سهام) یا موقعیتی وجود ندارد که به تنها ی مسئول این باشد که چه چیزی معامله می شود و چگونه معامله انجام می شود. این یک بازار بزرگ فرابورس می باشد که در آنجا بانک ها و نهادهای دیگر جفت ارزها را با قیمتی که "به نظر می رسد" برای بازار مناسب می باشد، معامله می کنند. به عبارت دیگر، آنها به بالاترین پیشنهاد دهنده ی قیمت می فروشند و از کمترین پیشنهاد دهنده، می خرند.

در مقایسه با حجم ظاهرا بزرگ ۲۲,۴ میلیارد دلار بورس سهام نیویورک در روز، بازار مبادله ی خارجی با حجم ۵ تریلیون دلاری خود در روز، بسیار بزرگ می باشد. این مبلغ وقتی که شما در حال امتحان کردن یک معامله هستید، مزیت زیادی دارد، چرا که نقدینگی کافی برای پر کردن بازار حتی بلافاصله بعد از ایجاد پوزیشن های بزرگ، وجود دارد، و مهم نیست که شما معامله ی فروش انجام دهید یا خرید.

چون این بازار تقریبا نامنظم می باشد، ویژگی های بسیار خوبی دارد. برای مثال، موافع برای ورود به پوزیشن در اصل وجود ندارند. شما می توانید یک حساب فارکس را با چند دلار باز کنید، بعضی کارگزاران به شما این امکان را می دهند تا با مبلغ ۲۰ دلار یک حساب بازکنید. آن را با حداقل ۲۵۰۰۰ دلار مقایسه کنید که برای معامله ی روزانه در بازارهای بورس به آن نیاز دارید.

با وجود اینکه دولت ایالات متحده قوانینی را برای اهرم ها اعمال کرده است (حداکثر ۱:۵۰ جفت ارزهای اصلی)، و قوانین بی معنی دیگری، مانند قانون FIFO وجود دارند (قوانینی که شما را مجبور می کنند که پوزیشن های خود را از پوزیشن قدیمی به پوزیشن جدید در صورتی ببنديد که تعداد جفت ارزهای یکسان زیادی داشته باشید)، دنیا پر از کارگزارانی است که اهرم بزرگی را به شما ارائه می دهند حتی ۱:۱,۰۰۰ (هیچکس نباید با چنین اهرم دیوانه واری معامله کند)، امکان تامین پوشش را برای شما فراهم می کنند، مهم نیست که چه پوزیشنی را شما اول می بندید یا باز می کنید، یا به شما اجازه می دهند تا پول خود را از طریق حساب پی پال^{۱۰}، مانی بوکرز^{۱۱} یا حتی بیت کوئین^{۱۲} واریز یا برداشت کنید.

البته، با همه این آزادیها، این احتمال وجود دارد که شما با افراد خیلی بد و متقلبی مواجه شوید که سعی می کنند شما را از پولتان دور کنند (همه اینگونه هستند اما اگر بر طبق قوانین باشد، عادلانه است چون بدین نحو شما این امکان را دارید تا پول معامله گران دیگر را نیز بگیرید). اما، با کمی تحقیق، شما می

PayPal^{۱۰}Moneybookers^{۱۱}Bitcoin^{۱۲}

وقتی که من ابتدا معامله را شروع کردم، به دنبال دکمه‌ای بودم تا اهرم را پایین آورم، چون در جایی خوانده بودم که معامله کردن با اهرم خیلی زیاد، خطرناک است، و فهمیدم که من فقط می‌توانم ان را تا مینیمم ۱:۵۰ در حساب کارگزاری خود، پایین آورم. من خیلی عصبانی بودم و حتی با پشتیبانی مشتریان برای صحبت درمورد این موضوع، تماس گرفتم. تا حدی من نمی‌دانستم که بدون توجه به اهرم ماکزیمم خود، می‌توانستم وارد یک پوزیشن کوچکتر شوم. این موضوع اساسی است، اما می‌تواند معامله گران مبتدی را گیج کند.

اگر شما قبلاً با سهام ارزان معامله کرده باشید، می‌دانید که همیشه احتمال وجود پولهای هنگفتی در گوشه و کنار سهام خاصی که شما معامله می‌کنید، وجود دارد. آنها به معنای واقعی کلمه بالا می‌روند، و سپس پایین می‌آیند، و اگر شما در جهت نادرستی قرار داشته باشید، واقعاً آسیب می‌بینید. بازارهای فارکس نمی‌توانند زاویه دار شوند، چون آنها خیلی بزرگ هستند؛ با این وجود، بانکهای عمومی و بعضی از نهادهای دولتی می‌توانند تاثیرهای نوسانی زیادی را ارائه کنند، بنابراین وقتی که خبرهای بزرگی به گوش می‌رسد، مراقب باشید. با این وجود، ارز، مخصوصاً ارز اصلی، نمی‌تواند مانند آنچه که بسیاری از شرکت‌ها به طور مرتب انجام می‌دهند، صفر شود یا ۹۵٪ از ارزش خود را از دست بدهد.

برای شروع معامله، چه چیزهایی باید بدانید؟

اینها مفاهیم تکنیکال بسیار پایه‌ای می‌باشند. اگر شما این کتاب را می‌خوانید، من مطمئنم که با آنها آشناشی دارید. فقط نگاه گذراشی به آنها می‌اندازیم در نتیجه می‌دانیم که وقتی که بعداً در این کتاب در مورد استراتژیهای خاصی صحبت می‌کنیم، مفاهیم یکسانی را در نظر داریم.

استراتژیهای من پیرامون اندیکاتورهای پیچیده یا بسیاری از ابزارهای تکنیکال ایجاد نشده‌اند، آنها فقط بر اساس ابزارهای بسیار پایه و بسیار قدرتمند می‌باشند. من معتقدم که شما برای انجام معامله به صورت موفق و سودآور نیازی به یک نمودار "اسپاگتی" ندارید؛ برعکس، حواس شما را از پرایس اکشن (حرکات قیمتی) پرت می‌کند و اطلاعات غیر مرتبطی به شما می‌دهد، و سعی می‌کند تا از نویز ساده و آشکار، معنی و مفهوم بسازد.



روندها و دامنه ها

بازارها فقط می توانند ۲ کار انجام دهند : محدودسازی دامنه یا روند. این بدین معناست که آنها در منطقه‌ی کوچکتری گیر افتاده اند که بدون شکستن این منطقه، بالا و پایین می روند، یا می توانند در جریان روند حرکت کنند، یعنی به طور پایدار در همان جهت بیشتر و بیشتر: بالاتر و بالاتر، یا پایین تر و پایین تر، حرکت می کنند.

با این وجود، بازارها در یک خط مستقیم حرکت نمی کنند. آنها کمی در یک جهت حرکت می کنند سپس باز می گردند و سپس کمی جلوتر می روند، سپس به طور ناگهانی در یک جهت حرکت می کنند، سپس دوباره متوقف می شوند، بر می گردند و این جریان همینطور ادامه می یابد. بعضی وقتها حرکت می تواند تصادفی به نظر برسد، اما اگر شما از یک تایم فریم طولانی تر (بزرگتر) به آن نگاه کنید، موضوع واضح تر می شود.

یک روند صعودی^{۱۳} زمانی است که بازار بالاتر و بالاتر می رود و سقف ها و کف های بالاتر^{۱۴} را تشکیل می دهد.



^{۱۳} Bullish trend یا روند گاوی

^{۱۴} : سقف های بالاتر، **higher lows**، کف های بالاتر **higher highs**



استراتژی معاملاتی بر مبنای پوزیشن "خرس هاو^{۱۶} و گاوهای^{۱۷} بزرگ"

اگر شما فردی هستید که وقت ندارید که تمام روز را بنشینید و به صفحه‌ی مانیتور نگاه کنید، یا کسی هستید که می‌خواهید در زندگی به کارهای دیگری بپردازید، یا شاید از نظر روانی برای شما خیلی سخت باشد که تمام وقت خود را فقط صرف نگاه کردن به روند بازار کنید (همانطور که بارها برای من اتفاق افتاد)، من یک استراتژی ساده و بسیار آسان را به شما نشان می‌دهم که این امکان را به شما می‌دهد تا به یک روش بسیار منظم و ساده، درآمد کسب کنید.

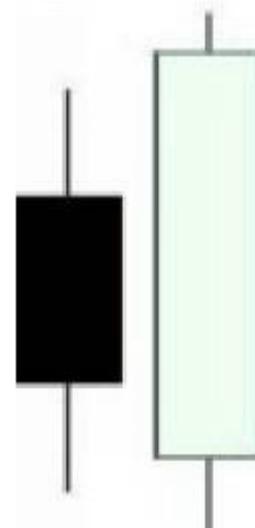
با این روش، شما نیازی نیست که زیاد معامله کنید، فقط یک یا دو معامله در هر ماه انجام می‌دهید، اما تعداد زیادی از آنها سودآور خواهند بود و به شما این امکان را می‌دهند تا درآمد خوبی کسب کنید.

مرحله ۱: آخر هر هفته، بازار را در یک نمودار هفتگی کنترل کنید، بعد از اینکه بازار عصر جمعه بسته می‌شود، شما وقت زیادی دارید، اما باید این کار را قبل از اینکه بازار دوباره در دوشنبه یا یکشنبه باز شود، انجام دهید، که این روز بستگی به منطقه‌ی زمانی شما دارد.

مرحله ۲: شما باید به دنبال تشکیل این کندل استیک‌ها باشید، و این کندل استیک‌ها فقط باید در جفت ارزهایی که شما قصد معامله‌ی آنها را دارید تشکیل شوند، من خودم را در اینجا محدود نمی‌کنم، هر چه بیشتر، بهتر. فقط از جفت ارزهایی که اسپرد بالایی دارند، اجتناب کنید:

کندلهای هم پوشان (انگولفینگ)^{۱۸}: کندلهای هم پوشان اساساً به این شکل می‌باشند:

لطفا به این نکته توجه داشته باشید که سقف و کف کندل دوم، نسبت به سقف و کف کندل قبلی بالاتر می‌باشند، اگر آنها در هر یک از موارد سقف و یا کف یکسان باشند، در نتیجه کندل‌های هم پوشان معتبری نیستند.



^{۱۶} BEARS: در بازار فارکس به معنای فروشنده‌گان می‌باشد

^{۱۷} BULLS: در بازار فارکس به معنای خریداران می‌باشد

^{۱۸} Engulfing Candles: یا کندل پوشان



کندلهای هم پوشان صعودی: در این کندلها قیمت پایانی (close) نسبت به قیمت آغازین (open) بالاتر می‌باشد و قدرت صعودی بالاتری را نشان می‌دهند. آنها سیگنال‌های احتمالی برای اقدام به خرید می‌باشند.

هم پوشان نزولی: اینها کندلهایی هستند که در آنها قیمت پایانی (close) نسبت به قیمت آغازین (open) پایین‌تر می‌باشد و قدرت نزولی بالاتری را نشان می‌دهند. آنها سیگنال‌های احتمالی برای اقدام به فروش می‌باشند.

مرحله ۳: در صورتی که روند خیلی واضح است به دنبال ناحیه‌های مهم مقاومت و حمایت یا حرکتهای پیوسته باشید.

مرحله ۴: با توجه به معامله‌ی خرید یا فروش، حد ضرر خود را در بالا یا پایین کندل هم پوشان قرار دهید.

مرحله ۵: با توجه به فاصله‌ی ورودی تا حد ضرر، شما ریسک خود و در نتیجه اندازه‌ی پوزیشن خود را تعیین می‌کنید. اگر فاصله‌ی شما تا حد ضرر ۲۰۰ پیپ باشد، و شما ۴۰۰ دلار در هر معامله ریسک کنید، اندازه‌ی پوزیشن شما باید ۲۰۰۰۰ دلار باشد.

مرحله ۶: با توجه به اینکه یک معامله صعودی یا نزولی است، ورودی حد ضرر خود را چند پیپ بالاتر یا پایین‌تر از سقف یا کف کندل هم پوشان قرار دهید.

مرحله ۷: وقتی که قیمت به ۵۵٪ از میله‌ی کندل هم پوشان، در جهت شما رسید، به نقطه‌ی سر به سری بروید که در این مثال ۱۰۰٪ پیپ می‌باشد.

مرحله ۸: برای رسیدن به سود سریعتر و امن‌تر، بعد از حرکت ۱۵٪ از اندازه‌ی کندل در جهت شما، برای مثال ۳۰۰ پیپ، از معامله خارج شوید. گزینه‌ی دیگر، دنبال کردن و تعقیب هر ۱۰۰ پیپ برای افزایش نسبت زیان به سود می‌باشد. گزینه‌ی انتخابی دیگر شما، پیدا کردن سطح‌های حمایت و مقاومت و ادامه‌ی معامله بر طبق آن خطوط می‌باشد. روش درست یا غلطی برای انجام این کار وجود ندارد، فقط به خاطر اهداف و سلیقه‌ی شخصی شما، احتمالهای متفاوتی وجود دارند.

اگر شما معامله را ادامه دهید (یا تریل کنید)، نقاط سربه سری بی‌نتیجه‌ای خواهید داشت، اما ممکن است به جریان‌های داخلی دیوانه واری برسید، مانند یک حرکت بزرگ جفت ارز یورو/ین که من توانستید چند ماه قبل برای بیش از ۱۲۰٪ پیپ، در آن معامله کنید. اگر شما معامله را ادامه ندهید و مستقیم به ۱۵٪ قیمت هدف برسید، معاملات بیشتری، اما با اندازه‌ی سود کمتر، برنده می‌شوید.

من چند معامله‌ی نمونه را در اینجا ارائه می‌کنم، با وجود اینکه معاملاتی هستند که من آنها را انجام دادم و از آنها پول درآوردم، من آنها را انتخاب کردم تا به شما نشان دهم که آنها چگونه باید باشند. به این معنا نیست که هر معامله‌ای که من انجام دادم، یک برنده‌ی بزرگ بود، بلکه من فکر می‌کنم بعد از دیدن این

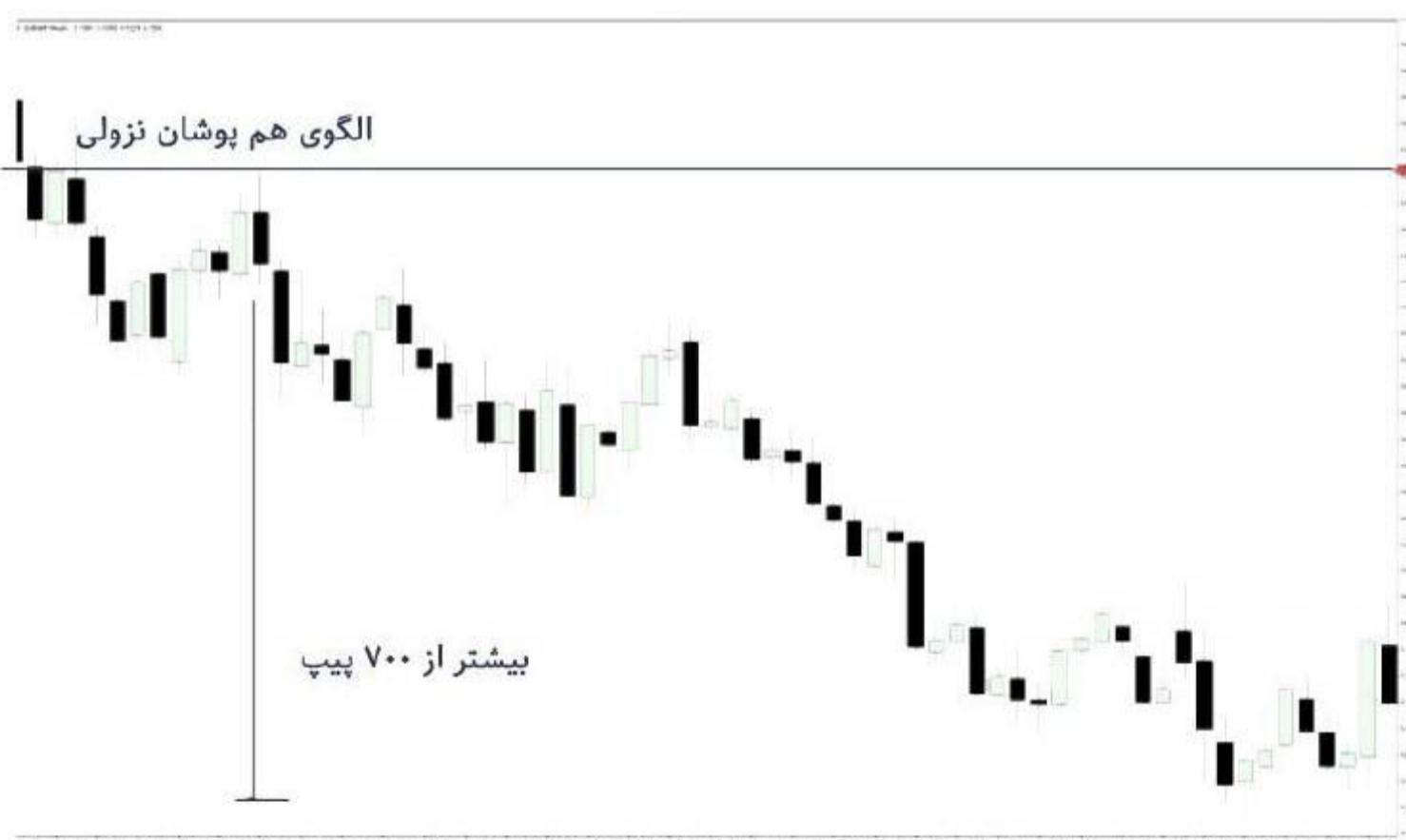


معاملات، شما می توانید به نمودارها نگاه کنید و نمودارهایی را برای خودتان پیدا کنید و حتی با اندازه ای پوزیشن متفاوت و روش های تعقیبی یا روش های هدف، که ممکن است از آنها استفاده کنید، آنها را تست کنید، و سپس استراتژی ای که خودتان دوست دارید را به خوبی تنظیم نمائید.

در اینجا مثالی از جفت ارز یورو/پوند در هفته‌ی آخر اکتبر ۲۰۱۳ ارائه شده است



در این نمودار چگونگی انجام معامله به صورت واضح نشان داده شده است.



۲۵ قوهای سیاه

در معامله گری یک عامل وجود دارد که می‌تواند بر حساب شما به اندازه‌ی زیادی تاثیر گذارد، این عامل می‌تواند در یک روز برای شما پول زیادی به ارمغان آورد یا زیان زیادی به حساب شما برساند.

آنها رویدادهای قوی سیاه می‌باشند (این اصطلاح توسط نسیم طالب در کتابش به این عنوان نامیده شده است).

من یک مثال را مطرح می‌کنم، حوادث اخیر فرانک سوئیس. بانک مرکزی سوئیس می‌خواست ارز خود (فرانک سوئیس) را در دامنه‌ی فشرده‌ای نسبت به یورو حفظ کند، فقط به این خاطر که مردم پول زیادی را به سوئیس انتقال داده بودند، که ارزش فرانک به سرعت بالا رفته بود، و برای شرکت‌های سوئیسی سخت بود که خارج از کشورشان سود کنند چون همه چیز داشت در سوئیس گران می‌شد. این موضوع داشت بر صنعت گردشگری و بیزینس‌های کوچک تاثیر می‌گذاشت چون مردم سوئیس به کشورهای همسایه می‌رفتند تا مایحتاج خود را، از خواربار گرفته تا بنزین، از آنجا بخوردند.

بنابراین بانک مرکزی تصمیم گرفت تا یورو بخرد و هر دفعه که ارز بالاتر می‌رفت، فرانک بفروشد. در ابتدا، این طرح به نظر موثر می‌رسید و برای مدتی طولانی همه چیز تحت کنترل قرار گرفت. البته، حتی بانک مرکزی هم مبلغ مشخصی پول دارد که می‌تواند روی آن حساب کند. بنابراین، بعد از چند سال استفاده از این سیاست، یک روز آنها فهمیدند که دیگر نمی‌توانند این سیاست را اعمال کنند، و بدون هیچ گونه هشداری یا برنامه‌ی خروجی یا هر چیز دیگری، تصمیم گرفتند یورو نخرند، و فقط خرید را متوقف کردند.

بلافاصله همه‌ی جفت ارزهایی که به CHF (فرانک سوئیس) مربوط می‌شدند، به هم ریختند. برای مثال (دلار امریکا/ فرانک سوئیس) حدود ۱۹۰۰ پیپ در یک روز، و در واقع در چند دقیقه، پایین آمد. این موضوع، تاثیر زیادی بر بازارهای فارکس داشت؛ ناگهان همه‌ی پوزیشن‌های دارای اهرم که کارگزارها آنها را نگه داشته بودند، منفجر شدند، و مثل یک بمب اتم شد.

مشکل اینجاست که وقتی این حوادث روی می‌دهند، بازارها دیوانه می‌شوند که حتی نمی‌توان حد ضرر و حد سود را پر کرد، دستورهای زیادی برای خارج شدن از معاملات وجود دارد، که نقدینگی کافی برای انجام

^{۲۵} Black swans: توضیح مترجم: نظریه قوی سیاه، استعاره‌ای است که به اثرات شدید ناشی از رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی و نادر و همچنان فعالی انسان به باقی نویضه‌های سلاط و دم دستی برای این رویدادها می‌بردازد. این نظریه در سال ۲۰۰۷ نویسنده نسیم نقولا طالب در کتابی نوشته عنوان کتاب قوی سیاه مطرح شد. نسیم طالب در این کتاب اشاره به رخدادهای دسیمار نادر و مهمی دارد که بطور معمول کسی انتظار وقوع آنها را ندارد



آنها وجود ندارد، یا بازارها آنقدر سریع حرکت می کنند که پذیرفتن دستورهای ساده‌ی حد سود و حد زیان، غیر ممکن می باشد.

در حساب ۱۰۰۰ دلاری ما، فرض کنید که شما در معامله‌ی جفت ارز USD/CHF (دلار آمریکا، فرانک سوئیس) با ریسک ۳٪، یا ۳۰۰ دلار از یک زیان ۲۰ پیپ بودید، که یک پوزیشن ۱۵۰۰۰ دلاری برای شما ایجاد می کند. اگر شما در سمت درست معامله قرار داشتید، ناگهان ۲۱,۸۵۰ دلار سود یا ۳۱,۸۵۰ دلار به عنوان یک سرمایه‌ی کل، به دست می آوردید.

از سوی دیگر، اگر شما در سمت اشتباه معامله باشید، حساب شما ۱۱,۸۵۰ دلار کسر می شد.

در شرایط و ضوابط حسابهای کارگزاری، سیاستی وجود دارد که شما را قبل از اینکه به اعداد قرمز برسید، از معامله خارج می کنند، اما در این مورد، زمان و یا فرصتی برای انجام این کار وجود نداشت. بنابراین، کارگزارها با میلیونها دلار زیان روبرو شدند که نمی توانستند از مشتریانشان جمع آوری کنند. حتی کارگزاران بزرگ، با مشکل مواجه شدند و بعضی از آنها مجبور شدند اعلام ورشکستگی کنند.

این داستان برای نشان دادن حوادث نادری تعریف شد که هر از گاهی در بازار روی می دهند؛ مهم نیست که چقدر شما آمادگی داشته باشید، آنها اتفاق می افتدند. قبل از حادثه‌ی CHF، بحران ۲۰۰۸ یا حادثه ۱۱ سپتامبر یا طوفان کاترینا نیز از این قبیل حوادث بودند.

تنها کاری که باید برای حفاظت از خودتان در این حوادث انجام دهید این است:

همیشه یک حد زیان را تعیین کنید، مهم نیست که چقدر باشد؛ اگر این کار را نکنید مثل این است که بدون چتر نجات از هوایپیما بپرید.

بعد از یک دوره پیروزی متوالی در معاملات عادی خود، چه حسابتان را دو برابر کرده باشید، و یا ۵۰٪ یا هر عددی که مناسب با شماست، پیشرفت کرده اید، مقداری از حساب فارکس خود را به بانک انتقال دهید یا آن را به طلا یا سهام یا هر چه که دوست دارید تبدیل کنید، تا از حادث/ یا مشکلات فاجعه آمیزی که ممکن است کارگزاران با آن مواجه شوند، خود را حفظ کنید.

مهمترین موضوع این است: با پول قرضی، یا پولی که برای زندگی لازم دارید، معامله نکنید. نسبت به این موضوع مسئولیت پذیر باشید و با این کار بار کمتری بر دوش خود احساس می کنید. اینکار فرصت بهتری را برای شما فراهم می کند تا به درستی معامله کنید و بر روی معاملات خود تمرکز کرده و به طور حرفه‌ای عمل نمائید.



برود؟ چه زمانی و چگونه شما به طور مداوم اشتباه می‌کنید؟ نقاط قوت سیستم شما چه هستند؟ چه زمانی و چگونه سیستم شما به بهترین نحو ممکن، عمل می‌کند؟

برنامه‌ی شش مرحله‌ای شما برای تبدیل شدن به یک معامله گر سودآور و موفق

پس از خواندن همه‌ی مطالب تا به اینجا، شما در حال حاضر اطلاعات مورد نیاز برای انجام و ایجاد یک استراتژی معاملاتی موفق فارکس را دارید با این وجود، مهم است که استراتژی خود را به روشی منظم، ایجاد نمایید. اگر شما همه‌ی مراحل مربوط به ایجاد استراتژی خود را که به طور صحیح مطرح شده است، داشته باشید، کل فرایند را بهتر درک خواهید کرد و می‌دانید چگونه عناصر خاصی از آن را اصلاح نمایید.

۱. اهداف خود را برای انجام معامله در فارکس بنویسید (برای مثال بنویسید که می‌خواهم شغل روزانه‌ی خودم را که حقوق آن در یک سال ۴۰۰۰ دلار در ماه می‌باشد، ترک کنم، حسابی را که با ۱۰۰۰ دلار باز کرده ام، به ۱ میلیون در ۵ سال برسانم، یا هر هدف دیگری که دارید). این مرحله برای درک و شناخت روش شما برای معامله گری و طرح کلی استراتژیتان، مهم و حیاتی می‌باشد. لطفاً اهدافِ انگیزشی اما واقعی را تعیین نمایید در غیر این صورت اهرم ریسک شما خیلی زیاد می‌باشد و حساباتان را از دست می‌دهید.
۲. مشخص کنید که برای دست یافتن به اهدافتان به طور هفتگی، ماهانه و سالیانه، چقدر باید درآمد کسب کنید؛ چه شما با مبلغی پول شروع کنید و هر ماه مقداری به آن بیافزایید، یا هر چه دیگر، این اعداد و ارقام باید به نحوی باشند که شما بتوانید به هدفتان دست یابید. سعی نکنید که اندازه‌ی معاملات یا ریسک و زیان را فعلاً مشخص نمایید، این مرحله فقط برای این است که به شما کمک کند که بدانید برای رسیدن به اهدافتان، باید چه مقدار پول به دست آورید.
۳. مشخص کنید که آیا بر مبنای پوزیشن، سوینینگ (یا نوسان)، و یا اسکالپ معامله می‌کنید. شما باید موقعیت شخصی خود را ارزیابی کنید و درباره‌ی مدت زمانی که می‌توانید به معامله گری اختصاص دهید، واقع بین باشید.



نظرهای نهائی

با اینکه معامله گری یک روش آسان برای به دست آوردن پول نیست، اگر شما بخواهید دستورالعمل ها را حفظ کنید و آن را یاد بگیرید، می توانید به اهدافتان برسید. به یاد داشته باشید که شما برای مدت طولانی معامله می کنید؛ از کم شروع کنید و از آنجا کار خود را توسعه دهید. بعد از مدت زمانی، پیروزیها روی هم انباسته می شوند و حساب شما می تواند به یک ژنراتور واقعی ثروت، تبدیل شود.

من یک استراتژی را مطرح می کنم که زیان شما را تا حد امکان به حداقل برساند و شما را برانگیزد تا بیشتر پیروز شوید، اعداد فقط مثال می باشند و شما می توانید موقعیت و خواسته های خود را با آنها تطبیق دهید. اما من اعداد رند بزرگ را به عنوان معیار، ترجیح می دهم.

اگر شما ۱۰۰۰۰ دلار داشته باشید که بخواهید با آن معامله کنید، می توانید با ۲۰۰۰ دلار شروع کنید، و ۸۰۰۰ دلار باقی مانده را در حساب پس انداختان بگذارید، وقتی که، بعد از چند ماه حساب معاملاتی شما ۳۰۰۰ دلار شد، می توانید ۲۰۰۰ دیگر از حساب اصلی تان که باقی مانده بود را به آن حساب معاملاتی وارد کنید. حالا شما با ۵۰۰۰ دلار معامله خواهید کرد، سپس بعد از چند ماه دیگر که حسابتان به ۷۰۰۰ دلار رسید، شاید شما بخواهید که ۳۰۰۰ دلار دیگر به حسابتان اضافه کنید و آن را به ۱۰۰۰۰ دلار برسانید.

حالا شما با ۱۰۰۰۰ دلار معامله می کنید، اما زیان شما خیلی محدود است، چون ۳۰۰۰ دلار آن، از سودی می باشد که شما به دست آورده اید. وقتی که به ۱۵۰۰۰ دلار رسیدید، ممکن است بخواهید که باقی مانده ی پولتان را نیز وارد معامله کنید و با ۱۸۰۰۰ دلار معامله کنید و وارد پوزیشن کامل خود شوید. از آنجا به بعد، حتی در یک برنامه و سناریوی بد، شما می توانید تا ۸۰۰۰ دلار از دست بدھید و هنوز سرمایه ی اولیه تان را داشته باشید.

اگر پیروزی شما ادامه داشته باشد و به ۳۰۰۰۰ دلار برسید، می توانید ۵۰۰۰ دلار از حساب فارکس خود برداشت کنید. سپس، بعد از اینکه ۲۵۰۰۰ دلار باقی مانده تان به ۴۰۰۰۰ دلار رسید، ممکن است بخواهید که ۵۰۰۰ دلار دیگر هم برداشت کنید، و همه ی ریسک را از حساب خود بردارید و سرمایه ی اولیه تان را بازسازی کنید.

از اینجا به بعد، هر وقت به آن معیاری که برای خودتان تعریف کرده اید رسیدید، می توانید بخشی از آن را برداشت کنید تا از سود آن استفاده کنید و در عین حال، حساب خود را افزایش دهید.



اگر در هر زمانی، حد ضرر معاملاتی شما عمل کرد، و شما ۳۰٪ از سرمایه تان را از دست دادید، باید حداقل به مدت ۴ ماه، به معاملات دمو برگردید تا ببینید که آیا قبل از برگشتن به معامله با پول واقعی، دوباره می‌توانید سود آور و موفق باشید یا نه.

اگر شما معامله می‌کنید، بر دست یافتن به بهترین عملکرد ممکن، تمرکز کنید، شما می‌توانید نسبتاً سریعتر حرکت کنید و هر ۶ تا ۸ ماه بدون مشکل زیادی، و بدون اینکه تا حد زیادی زیان کنید، حسابتان را دو برابر کنید. در این صورت، حتی اگر شما با کمترین مبلغ شروع کرده باشید، می‌توانید بعد از ۱۸ تا ۲۴ ماه پول واقعی به دست آورید.

من امیدوارم که بعد از خواندن داستان من و آنچه که بعد از از دست دادن همه‌ی پولم یاد گرفتم و سپس توانستم آن را برگردانم، بتوانم شما را از انجام اشتباهاتی که من انجام دادم، باز دارم. و اگر شما قبل از همه‌ی این اشتباهات/ یا اشتباهات دیگری را مرتکب شده باشید، شاید این کتاب به شما کمک کند تا بتوانید دوباره روی پای خود بایستید و موفق شویید. اگر می‌خواهید با من تماس بگیرید، من به همراه این کتاب، تصمیم گرفتم وبلاگی باز کنم. آدرس ان <http://forexlife.me> می‌باشد.

این وبلاگی است تا در مورد چگونگی دست یافتن به آزادی و سبک زندگی ای که ما می‌خواهیم، با استفاده از بازارهای فارکس، ایده‌های خود را به اشتراک بگذاریم. در این وبلاگ، اطلاعات جالب و مفیدی درباره‌ی این موضوع وجود دارد که چگونه می‌توان به یک معامله گر سودآور و موفق تبدیل شد، و راه‌هایی برای ارتباط با معامله گران دیگر برای کسب تجربه‌ی معاملاتی وجود دارد. لطفاً به وبلاگ من مراجعه کنید یا به آدرس paul@forexlife.me به من ایمیل دهید.

وبلاگ یک دوره‌ی آموزشی رایگان ۲ ساعته در مورد این موضوع دارد که چگونه سفر خود را برای معامله گری به فارکس آغاز کنید تا به موفقیت و سودآوری برسید. لطفاً روی تصویر سمت راست کلیک کنید یا به این لینک مراجعه کنید تا به دوره‌ی آموزش رایگان دسترسی پیدا



کنید: <http://forexlife.me>

اگر کتاب را دوست داشتید، لطفاً نظر خود را در سایت فارکس یار بنویسید. این کار کمک می‌کند تا این کتاب در سرتاسر ایران منتشر شود و به افراد دیگر کمک می‌کند تا آن را پیدا کنند به آن اعتماد کنند و به

